

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر سیدخلیل الله هاشمیان

۲۵ می ۲۰۱۵

## پیرامون تفاهمنامه امنیتی

مقاله ای به قلم آقای انجنیر عبدالصیور صافی به عنوان "تفاهمنامه امنیتی با پاکستان یعنی چی؟" را در پورتال (تول افغانستان) خواندم که این موضوع راهمه جنبه تحلیل کرده و من از تحلیل شان حمایت می کنم و اجازه می خواهم بالای نکات مطروحه شان چیزهایی بیفزایم:

(۱) انجنیر صاحب می فرماید که این تفاهمنامه "به صورت غیرمستقیم به رسمیت شناختن خط دیورند است." یک تحلیل واقعبینانه! پاکستان از بدو تأسیس خود در مسیر ۶۸ سال اخیر حق خود ارادیت ۲۵ میلیون پشتون را به رسمیت نشناخته و از طریق های نظامی و سیاسی پیهم بالای افغانستان فشار وارد نموده تا خط دیورند را به رسمیت بشناسد که خوشبختانه تا امروز حکومت های افغانستان را نتوانسته حاضر به قبول این خیانت ملی بسازد. اما سعی پاکستان درین راستا دوام داشته و با قدم های آهسته پیش می رود. این که انجنیر صافی اصطلاح "غیرمستقیم" را به کار برده بیانگر قدم های آهسته پاکستان برای نیل به هدف است. این پیمان شاید قدم اول "غیرمستقیم" باشد و دو قدم دیگر "غیرمستقیم" که در اثر تطبیق این پیمان تأمین خواهد شد، خط دیورند معنی سیاسی و جغرافیائی خود را به کلی می بازد و جزء مایملک رسمی و دایمی پاکستان خواهد شد.

(۲) انجنیر صافی معتقد است که هدف این تفاهمنامه "ضعیف ساختن مناسبات بین هندوستان و افغانستان است." به نظر من، در اثر تطبیق این موافقتنامه آن مقدار استخبارات مفید هندوستان که برای امنیت اتباع و پروژه های انکشافی هندوستان در افغانستان ضروری می باشد، خنثی خواهد شد و استخبارات پاکستان به طور غالب و پیشتر از بر همه استخبارات، به شمول استخبارات افغانی، عرض اندام خواهد کرد و سرنوشت افغانستان به دست مؤسسه (آی.اس.آی) خواهد افتاد.

(۳) آقای انجنیر صافی درست درک نموده که ظاهراً هدف این تفاهمنامه "تربیه کردن کارمندان افغان در امور جاسوسی" می باشد. ولی من این هدف را "سرچپه" می خوانم، یعنی پاکستان مأمورین افغان را برای خود جاسوس تربیه می کند - پاکستان بیشتر از ۳۰ فیصد اسرار کارآمد جاسوسی خود را (که در حقیقت مسایل عادی می باشد) به افغانها نمی آموزاند، و این مقدار دانش تخصصی در دستگاه استخبارات خود افغانستان نیز میسر است. پاکستان همین اکنون یکتعداد اتباع افغان را به حیث جاسوس در استخدام خود دارد و حاضر نمی شود آنها را به دولت افغانستان معرفی و افشاء کند، بلکه از تکنیک های کارخواهدگرفت، به شمول دادن پول و وعده های وافر، که بیم آن می رود ۵۰٪ کارکنان افغانی را به حیث جاسوس خود تربیه کند. اگر پاکستان به تعهد خود که افغانها را صادقانه به حیث جاسوس تربیه می کند، متعهد باشد، تجربه امتحانی باید ازینجا شروع شود که پاکستان همه جاسوسهای سابق خود را به حکومت افغانستان معرفی کند و

افغانستان نیرجاسوسهای سابق خود را به حکومت پاکستان معرفی کند، تا عملیات جاسوی جدید در اثر این تفاهنامه از یک میدان صفا و صفر شروع شود.

۴) انجیر صافی مهمترین ماده قرارداد را "تبادل اطلاعات در ساحت تروریزم و هراس افگنی..."، یعنی حملات ناگهانی مسلحانه، حملات انفجاری، مخفی ساختن ماینها و غیره دانسته می گوید که "پاکستان تمویل کننده و صادرکننده باندهای اشرار و تروریستی بر علیه افغانستان است." - به عبارت دیگر دولت پاکستان چهارباند پر قدرت تروریستی، دو باند در بلوچستان و دو باند در منطقه خیبر در اختیار خود دارد. از مدت ۱۵ سال به اینطرف این باندها رادر خاک خود امنیت، مسکن، پول و اسلحه داده و هم در خاک خود تمرینات و تکنیکهای تروریستی و سامان آلات مدرن کشف به آنها داده و این باندها را مطابق اهداف نظامی و سیاسی خود به اشغال یا تخریب مواضع معین به داخل افغانستان سوق داده است. اگر مدعیات فوق درست نیست و اگر پاکستان به خاتمه دادن عملیات تروریستی از داخل خاک خود در افغانستان صادقانه متعهد می باشد، پس چرا این باندها را که همه اتباع شناخته شده افغانستان می باشند در خاک خود و تحت امنیت خود نگهداری می کند؟؟؟ چرا پاکستان برای این باندها امتیازات سیاسی در افغانستان مطالبه دارد؟؟؟ یعنی پاکستان به حکومت افغانستان می گوید که این باندها را وقتی به افغانستان برمی گردانم که ۲۰٪ چوکی در کابینه و شش ولایت افغانستان در اختیار آنها گذاشته شود؟! به عبارت دیگر پاکستان می خواهد از طریق باندهای فروخته شده، قدرت سیاسی و نظامی خود را به طور دایم در افغانستان نگه دارد و در غیر آن واضحاً دوام جنگ را بر افغانستان تحمیل کردن است!

من در امریکا با یکعده امریکائیهای صلحدوست و بشردوست که یکعده شان با سیاست خارجی دولت خودچندان موافق نیستند، ماه یکی دوبار در مجالس شان اشتراک می کنم و نظرات آنها را می شنوم. در بین اینها پروفیسران و افسران متقاعد، ژورنالیستان، جوانان و موسفیدان (زن و مرد) شامل اند. اینها اوضاع حالات افغانستان را از من می پرسند و من آنها را تحریک و تشویق می کنم تا در باره کشور بدبخت من صحبت و اظهار نظر کنند. سخنانی از آنها شنیدم ازین قبیل که در حال حاضر سیاست طویل المدت امریکا در منطقه آسیای مرکزی ازینقرار است که نه تنها می خواهد از تجزیه پاکستان جلوگیری کند، بلکه متوقع است افغانستان به حدی ضعیف و ناتوان گردد که خودش حاضر به ادغام با پاکستان شود که در آنصورت این دو مملکت به حیث یک مرکز مهم ستراتیژیک امریکا درین منطقه مبدل خواهد شد و از کمکهای بسیار بیشتر امریکا مستفید خواهد گردید. یک خانم امریکائی در آن مجلس گفت: دلیل آن را خوب نمی دانیم، اما دولت امریکا بالای افغانها اعتماد ندارد، ولی بالای پاکستان اعتماد دارد، او گفت من دو بار به پاکستان رفته ام، پاکستانیها مردم بی ضرر و اطاعت پذیر استند. یک مرد موسفید از زبان پسرش که به رتبه جگرن دوسال در افغانستان خدمت کرده، می گفت:

" امریکا به اردوی افغانستان امکانات خوردن و زنده ماندن را میسر می سازد، اما به اردوی افغانستان اسلحه دفاعی نمی دهد، چونکه پاکستان نمی خواهد و پاکستان توانسته اعتماد امریکارا حاصل کند. یک مرد روسی (که شاید یهودی باشد) ولی از سالها به اینطرف در امریکا زندگی می کند، گفت: "این گپ درست است که امریکا می خواهد افغانستان با پاکستان ادغام شود، انگلیس نیز طرفدار اینکار است..." و علاوه کرد که "دولت روسیه ازین پلان خبر دارد بنابراین اتحاد نظامی بین هند و روسیه روبه تزئید می باشد..."

این که در بیانات فوق چقدر واقعیت وجود دارد، من نمی دانم و دولت کابل باید در زمینه غور و تحقیق کند. اما اقدام امریکا که چند صد طیاره و چند صد تانک خود را از افغانستان برون ساخت و آنها را به پاکستان بخشید، یک سیلی محکم توهین و بی اعتمادی به افغانستان بود. از جانب دیگر موضوع افتتاح دهلیزواخان نیز به ارتباط شایعات ادغام مجبوری افغانستان با پاکستان باید تحت تدقیق و مطالعه قرار داده شود که آیا دولت چین از پلان طویل المدت امریکا و شایعات ادغام افغانستان با پاکستان بیخبر است؟! یا این که افتتاح دهلیزواخان متمم پلان ادغام دانسته شده است!؟

حالا سفارش من به به حیث یک افغان به آقای داکتر اشرف غنی ازینقرار است:

برادرمحترم، تو می دانی که پاکستان باندهای تروریستی را قصداً برای دوام فشارسیاسی ونظامی و قتل وکشتاربالای افغانستان تمویل ونگاهداری می کند ودرین سیاست عاجزساختن وضعیف ساختن افغانستان درطویل المدت نیزشامل می باشد۔ عوض یک سیاست "کج دارومریز" که اکنون حکومت شما تعقیب می کند وهرروز به موفقیت وپیشدستی پاکستان می انجامد، چرا یک شرط سچہ وصاف افغانی واسلامی را به مقابل پاکستان نمی گذاری؟ اینطور:

"برادرمحترم، جلالتماب نوارشریف ! تازمانی که شما چهار باند تروریستی مقیم خاک پاکستان را که همه اتباع شناخته شده افغانستان می باشند، واداره بازگشت به افغانستان نکنید، یا از خاک خود به طورمشهود برون نسازید، اعتماد و صداقت و صلح و تفاهم بین افغانستان وپاکستان رویکار آمده نمی تواند۔ این یگانه شرط ما است وتوقع داریم آن را به قسم یک حسن نیت و بدون هرگونه پیش شرط بپذیرید - ما تعهد می سپاریم که عفوعومی رااعلان کنیم و حفظ جان ومال وصیانت همه کسانی که به طور مسالمت آمیزبه افغانستان برمی گردند، به وسیله پارلمان افغانستان و مؤسسه ملل متحد تضمین گردد وبرای اتباع افغانستان که ازپاکستان به وطن برمی گردند امتیازات مندرج درقانون اساسی مساویانه و بدون تبعیض رعایت خواهد شد..."

اگر پاکستان پیشنهاد شما را بپذیرد، صداقت وحسن نیت آن برملا می گردد، واگرنپذیرد درآنصورت دولت افغانستان باید بفکر اعلان "سفربری" باشد تابه قدرت ملت خود از موجودیت افغانستان دفاع کرده بتواند۔ اعلان سفربری درافغانستان اگرچه بارگران ضربات اقتصادی را تحمیل خواهد کرد(ومرحوم سردارداوودخان یک بار ۶۵ سال قبل این بارگران راپذیرفت و با معذرت پاکستان از صحنه موفق برون آمد) ، اما با وقوف از اوضاع جاری در دو جناح پاکستان، اعلان سفربری درافغانستان در دهه دوم قرن ۲۱ ، درصوبه سرحد خیبر و بلوچستان، قیام هائی را به وجودمی آورد وازین "گدودی" چیز دیگری به وجود خواهدآمد که پاکستان منتظرآن نبوده است.

خداوندمتعالم ز عمای صادق به افغانستان را جرأت وقدرت بیشتر و عمرطویل نصیب کناد - آمین.

خدمتگار افغانستان - سیدخلیل الله هاشمیان - مؤرخ ۲۴ می ۲۰۱۵